



The Reasons for the Presence of Drugs and Psychoactive Substances in Prisons

Azāde Şādeghī¹

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. Email: az.sadeghi@umz.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Received:
September 13, 2023

Accepted:
August 05, 2024

Keywords:
Narcotics and psychotropic substances, Power and resistance, Drug economy, Prison.



ABSTRACT

The issue of “narcotics and psychoactive substances in prisons” is one of the most complex problems that highlights the failures of policymakers, who have consistently tried to manage the illicit use and distribution of drugs in prisons through strict control plans and treatment programs. This article aims to return to the main issue and ask: How does the dark underbelly of the prison cope with drugs? Why is the issue of drugs constantly discussed in prison policies? And despite the significant resources invested in their elimination, we are still hesitant to say that some successes have been achieved. The necessity of the discussion is to the extent that we know that in most criminal justice systems, most prisoners are directly or indirectly imprisoned for drug-related crimes, and therefore the issue of managing and controlling the distribution of drugs in prisons is of fundamental importance. The article responds using a descriptive-analytical method, asserting that the issue surrounding the economy of drugs in prisons reductively attributes all policy failures to market-based economics. In contrast, critical theories, drawing on the concepts of power and resistance, bring the unknown aspects of drugs in prisons closer to understanding. The dialectic of power and resistance never portrays these ineffective policies as victorious, and for this reason, programs outside of prison are exceedingly important. Decriminalization for users, petty offenders, and those who steal low-value property, along with efforts to shift societal preferences towards lower-risk drugs, are among the most significant assets.

Cite this article: Şādeqī, A. (2024). The Reasons for the Presence of Drugs and Psychoactive Substances in Prisons. *Criminal Law Doctrines*, 20(26), 125-152.

<https://doi.org/10.30513/cld.2024.5497.1897>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



چرایی وجود مواد مخدر و روان گردان در زندان‌ها

آزاده صادقی^۱

۱. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
az.sadeghi@umz.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

مسئله «مواد مخدر و روان گردان در زندان‌ها» یکی از مشکلات بسیار پیچیده‌ای است که همواره سیاست‌های کنترل مواد مخدر در زندان را با بحران عدم اثربخشی روبه‌رو می‌سازند. در این مقاله می‌خواهیم به مسئله اصلی بگردیم و بررسی کنیم که به راستی تاریکخانه زندان با مواد مخدر چگونه سر می‌کند؟ چرا همه‌جای سیاست‌های زندان، سخن از مواد است، درحالی‌که بیشترین هزینه‌ها برای حذف آن شده، هنوز در بیان موفقیت‌های به دست آمده تردید داریم؟ ضرورت این بحث تا اندازه‌ای است که می‌دانیم در اکثر نظام‌های عدالت کیفری، بیشتر زندانیان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به خاطر جرایم مرتبط با مواد مخدر در زندان به سر می‌برند و بنابراین مسئله مدیریت و کنترل توزیع مواد مخدر در زندان اهمیت اساسی دارد. مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی پاسخ می‌دهد که فراروایت اقتصاد مواد مخدر در زندان به صورتی تقلیل‌گرایانه، علت تمامی ناکامی سیاست‌ها را به اقتصاد بازاربنیاد ربط می‌دهد. حال آنکه نظریه‌های انتقادی، با تکیه بر مفهوم قدرت و مقاومت، ناشناخته مواد در زندان‌ها را به مرحله شناخت نزدیک می‌کند. دیالکتیک قدرت و مقاومت، این سیاست‌های غیراثربخش را هرگز پیروز نشان نمی‌دهد و به همین دلیل، برنامه‌های خارج از زندان بیش از اندازه مهم‌اند؛ زندان‌زدایی در مورد مصرف‌کنندگان و خرده‌پاها و سازقان اموال کم‌ارزش، و تلاش برای تغییر میل جامعه به سمت مواد مخدر کم‌خطر، از مهم‌ترین سرمایه‌ها هستند.

نوع مقاله:

علمی پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۶/۲۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۵/۱۵

کلیدواژه‌ها:

مواد مخدر و روان گردان،
قدرت و مقاومت، اقتصاد
مواد مخدر، زندان.



استناد: صادقی، آزاده. (۱۴۰۳). چرایی وجود مواد مخدر و روان گردان در زندان‌ها. آموزه‌های حقوق کیفری، (۲۶)۲۰. ۱۵۲-۱۲۵. <https://doi.org/10.30513/cld.2024.5497.1897>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

اگر نخواهیم هیچ قضاوتی راجع به اثربخشی و یا به‌طور کلی مفید بودن زندان ارائه بدهیم، مسئلهٔ مواد مخدر و روان‌گردان^۱ در زندان ما را مجبور خواهد ساخت که بگوییم مداخله‌های سخت‌گیرانه خیلی زود بی‌اثر خواهند شد. پویایی مواد آن قدر بالاست که سیاست‌گذاران را وامی‌دارد تا هر بار لباسی نوبرتن برنامه‌های کهنه کنترل ورود مواد به زندان بپوشانند و آن‌ها را ترمیم کنند: نظارت و سخت‌گیری‌های روزافزون در بحث ورود و خروج و بازدیدها و ملاقات‌ها، بازرسی‌های افراطی همچون استفاده از سگ‌های موادیاب یا اسکنرها، جست‌وجوی گاه و بی‌گاه سلول‌های زندانیان از نوبازآفرینی می‌شوند تا مواد را از صحنه زندان ناپدید کنند. کوشش‌ها، فقط به بحث عرضه ختم نمی‌شود. در سال‌های اخیر، با آگاهی از اثربخشی بیشتر برنامه‌های تقاضامحور در جامعه، این فرصت برای گرداندگان زندان‌ها فراهم شد تا از یک سوبا تدوین برنامه‌های ترک‌محور^۲ و ساخت بندهای عاری از مواد، میان گروهی از مصرف‌کنندگان و مواد در زندان دیوار بکشند و از سوی دیگر با توسعه درمان‌های نگهدارنده،^۳ آن گروه دیگر را دلبسته نوع خاصی از مواد کنند.

اما در واقعیت همه چیز وارونه خواهد شد. دو حقیقت آماری این موضوع را برای ما به اثبات رسانده‌اند: محکومان مواد مخدر در اکثر کشورها، چه توسعه‌یافته و چه در حال توسعه، ترکیب غالب جمعیت زندانیان را تشکیل می‌دهند (Kolind, Duke, 2016) و فراگیری مصرف مواد همه تلاش‌ها را بی‌اثر می‌سازد. برای مثال، گزارش دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر سازمان ملل در سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد که از هر سه زندانی، یک نفر حداقل در دوران زندگی خود در زندان مواد مصرف کرده است

۱. برای اختصار در این مقاله از این به بعد از واژه «مواد» استفاده می‌شود.

2. Abstinence Based Treatment.

3. Drug Maintenance Treatment

درمان‌های نگهدارنده مواد یکی از انواع خاص برنامه‌های کاهش آسیب هستند که با ارائه داروهای شبه اویپودی همانند متادون و یا بوپرنورفین، به صورت مستمر و در بلندمدت، سلامت مصرف‌کنندگان را اولویت قرار می‌دهند. در حالی که برنامه‌های ترک‌محور ممکن است همین داروها را در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهد، ولی هدف اولیه آن ترک مصرف است و بنابراین دوز ارائه مواد کاملاً متغیر و بر اساس جهت‌دهی ترک تعیین می‌شود.

(Deuchar & Densley, 2023). در کشورهای اروپایی نیز مطالعات بیانگر آن است که بین ۵۰ تا ۸۰ درصد زندانیان اروپا در طول مدت حبس مواد مصرف می‌کنند؛ به طوری که اصولاً نسبت جمعیتی که در زندان مواد مصرف می‌کنند، بالاتر از جمعیت عمومی است. این موضوع محدود به مواد مخدر سبک همانند کانابیس هم نیست؛ هروئین تا مدتی در برخی کشورها از جمله انگلستان همه را به چاره‌جویی دعوت کرده بود و در حال حاضر فنتانیل^۱ با آن قدرت ویران‌کننده‌اش، سراز زندان‌ها درآورده و از همین حالا همه را به استیصال زود هنگام کشانده است. علاوه بر این، برخی از مصرف‌کنندگان نیز مواد را به شیوه تزریق مصرف می‌کنند و خطر را با سرنگ مشترک، به دیگران نیز انتقال داده و چرخه‌ای بی‌پایان از مشکلات سلامتی را برای خود و دیگران آغاز می‌کنند (Walker et.al, 2020; Norman, 2023).^۲ اضافه می‌شود که در سال‌های اخیر با افزایش روان‌گردان‌های جدید^۳ و تنوع مصرف، مرگ‌ومیرها در زندان‌ها نیز افزایش یافته است.

1. Fentanyl

کشورهای آمریکای شمالی همانند کانادا و ایالات متحده در حال تجربه حضور فنتانیل در زندان‌ها هستند. این داروهای بسیار قوی و کشنده که به آسانی به شیوه‌های مختلف همچون استنشاق و غیره مصرف می‌شوند، سهم عمده‌ای در اعلام وضعیت اضطراری بهداشت عمومی در ایالات متحده داشته‌اند و در حال حاضر زندان‌های کانادا و آمریکا را تهدید می‌کنند (صادقی، ۱۴۰۰، ۵۷۶). خطر اوردوز این محصولات بالاست و به راحتی با هر چیزی می‌توان آن‌ها را مخلوط کرد یا به نام هر ماده مخدر دیگری همچون کانابیس یا هروئین فروخت. در چنین فضایی، نتایج مطالعات میدانی نشان داده‌اند که ورود این مواد به زندان‌ها شغل افسران و کارکنان زندان را تحت تأثیر قرار داده و موجب عدم انجام وظایف قانونی آن‌ها (برای مثال بازرسی سلول‌ها یا افراد) از ترس استنشاق فنتانیل و آسیب‌های پس از آن شده است (Bucarius & Haggerty, 2019). بیابید تصور کنیم پس از رواج آن چه اتفاقی خواهد افتاد. بر این اساس، مسئله‌ای که گریبان این کشورها را در آینده نزدیک به سختی خواهد گرفت، قطعاً مدیریت فنتانیل در زندان‌هاست.^۲ مطالعات نشان می‌دهد که حدود یک چهارم از مصرف‌کنندگان تزریقی در زندان نیز به تزریق ادامه می‌دهند (Walker et.al, 2020).

3. New Psychoactive Substances (NPS/NPD)

مواد روان‌گردانی هستند که اساساً با ترکیب مواد شیمیایی با هم یا مواد طبیعی تولید می‌شوند و با دخالت در ترکیب شیمیایی روان‌گردان‌های تحت کنترل توسعه می‌یابند و با توجه به سرعت فناوری، هنوز ترکیبات آن‌ها کاملاً شناخته نشده و جزو فهرست روان‌گردان‌های تحت کنترل در نیامده است. به جهت پیچیدگی عناصر، کشف آن‌ها نیز به آسانی امکان‌پذیر نیست.

حتی کشورهای اروپای شمالی که «استثنای گرای اسکاندیناویایی»^۱ را تبلیغ می‌کنند و هر بار، بسته‌های درمانی جدیدی را در زندان‌های ویژه‌شان امتحان می‌کنند، نیز از سیاست‌های سخت‌گیرانه فاصله گرفته‌اند. در ایالات متحده نیز که وضعیت کاملاً روشن است؛ جنگ با مواد مخدر، بدون هیچ اغمازی، هر معناد و فروشنده‌ای را که توانسته به زندان حواله کرده و ظرفیت آن را از این زندانیان سرریز کرده است. انگلستان و استرالیا هم دست کمی از ایالات متحده نداشتند و مشابه همان سخت‌گیری‌های بیرون از زندان را درون زندان اعمال کرده‌اند. بنابراین، سیاست‌های سرکوب به تمام معنا از زندان‌ها مخازنی عالی از مواد فروشان و مصرف‌کننده‌ها ساخته‌اند. هرچند میزان مصرف در زندان به واسطه کمبودهای عرضه کمتر است، ولی تعداد بالای مصرف‌کنندگان جبران وضعیت سابق را کرده و هر بار سیاست‌گذاران و برنامه‌های جدیدشان را به سخره می‌گیرند (Duke, 2003). حقیقت جالب دیگری هم از مطالعات آماری بیرون آمده که چیدمان‌های سیاستی را بیش از پیش بی‌منزله می‌سازد، اینکه برخی از زندانیان، اولین تجربه مصرف مواد مخدر را از زندان روایت می‌کنند.

پرسش این است که چرا به رغم این همه اقدامات سخت‌گیرانه، نمی‌توانیم مسئله وجود مواد مخدر و روان‌گردان را در زندان مدیریت و حل کنیم؟ بنا بر گزارش‌های متعدد، انواع مواد مخدر اعم از نرم و سخت همچون حشیش، تریاک، متادون، هروئین، شیشه یا فتانیل در زندان‌ها در دسترس است. چرا با وجود تمرکز سیاست‌ها بر کاهش عرضه و حتی اجرای برخی درمان‌های نگهدارنده و ترک‌محور،

1. Scandinavian Exceptionalism

مفهوم «استثنای گرای اسکاندیناویایی» ریشه در جامعه‌ای به شدت برابری‌خواه، رفاه‌طلب و مبتنی بر ایده سوسیال دموکراسی کشورهای نوردیک دارد و با سه اصل جمعیت پایین زندانیان، شرایط نسبتاً انسانی زندان‌ها و ایدئولوژی عادی‌سازی از مدل اداره سایر کشورها شاخص می‌شود. اصل عادی‌سازی ایجاب می‌کند که زندانی بایستی حقوقی برابر با سایر اعضای جامعه داشته باشد و زندان بایستی مکانی شبیه سایر اجتماعات انسانی باشد، با این تفاوت که فقط زندانیان محرومیت از آزادی رفت و آمد را در آن تجربه می‌کنند؛ آن‌ها در واقع مصرف‌کننده خدماتی هستند که در دولت‌های رفاه ارائه می‌دهند و بایستی همانند شهروندان برخوردار از برنامه‌های درمانی باشند (صادقی و غلامپور، ۱۴۰۰، ۹۷-۹۸).

کارگشایی حاصل نشده و هنوز تحقیقات، گستردگی مصرف و توزیع مواد مخدر را در زندان‌ها گزارش می‌کنند؟ در این مقاله می‌خواهیم این عجز و نابسندگی را بکاویم و نشان دهیم چرا مجموعه کنترل‌های متنوع و درعین حال ناهمگون، از فهم پدیده مواد مخدر در زندان قاصر شده‌اند؟ اگر پیشینه پژوهش را در این زمینه بررسی کنیم، خواهیم دید که ادبیات حقوقی ایران نشان‌دهنده خلأ آشکار مطالعات مواد در زندان است. به‌طور کلی مقالات و رساله‌های مختلفی^۱ در رابطه با سیاست‌های سخت‌گیرانه در حوزه کنترل مواد در ایران وجود دارد، ولی تاکنون مقاله، رساله یا کتاب حقوقی مستقلی در خصوص مدیریت مواد مخدر در زندان‌ها نوشته نشده و از این جهت، پیشینه پژوهش‌های جرم‌شناسی ایرانی در این زمینه بسیار ضعیف به نظر می‌رسد. در همین رابطه، حوزه پژوهش مقاله حاضر، ابعاد جرم‌شناسی نظری (با رویکرد انتقادی) توزیع مواد مخدر در زندان‌هاست و برای این کار، پژوهش‌هایی را که در نظام‌های عدالت کیفری مختلف اعم از ایالات متحده، انگلستان، استرالیا، کشورهای حوزه اسکاندیناوی همچون نروژ، فنلاند یا سوئد در رابطه با درک چرایی توزیع مواد در زندان‌ها صورت گرفته است، بررسی می‌کنیم. حقیقت این است که همه کشورهای اعم از در حال توسعه و توسعه یافته درگیر مدیریت مواد در زندان‌ها هستند و هیچ‌یک تاکنون نتوانسته‌اند به راه حل معقولانه‌ای دست یابند. در نظام عدالت کیفری ایران نیز وضعیت به همین شکل است؛ به‌رغم قوانین سخت‌گیرانه همچون ماده ۱۲ قانون مبارزه با مواد مخدر، گزارش‌های مسئولان و وضعیت جاری، بیانگر وجود مواد به شکلی تقریباً گسترده در زندان‌هاست.^۲

۱. رساله‌های مداخله‌های کاهش آسیب در نظام عدالت کیفری ایران؛ تحول کیفر اعدام در جرائم مواد مخدر و ارزیابی اثربخشی آن؛ رویکرد تجربه محور به مداخله‌های عدالت کیفری در ایران؛ تحلیل کیفرشناختی اجرای مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر در ایران از این جمله‌اند.

۲. برای نمونه، محمد مهدی بلندیان، معاون سیاسی و قضایی سازمان بازرسی کل کشور، در ۲۳ آذرماه ۱۴۰۲ اعلام کرده است که «توجه به جامعه هدف پرخطر مواد مخدر بیانگر اقتصاد بزرگ و پیچیده‌ای است که در حال حاضر نظام بین‌الملل مقابله با افیون را دچار دگردیسی کرده است. به طوری که حتی در کشورمان، اقتصاد زندان‌ها با مواد مخدر تأمین می‌شود؛ و این یک موضوع بسیار با اهمیت است. وضعیت زندان‌های کشور از حیث سهم زندانیان مرتبط با مواد مخدر، عرضه، فروش و مصرف نامناسب است و نیازمند برنامه ریزی دقیق و اصلاح بسیاری از ساختارها، رویکردها و رویه‌های ناکارآمد است». در واقع،

به همین مناسبت، در بخش اول، بحث کلاسیک اقتصاد مواد مخدر را که به گفته مدعیان، همه چیز زندان را به درون خود می‌کشد، با جزئیات مطالعه کرده و نشان می‌دهیم که این فراروایت، حقایق اصلی را می‌پوشاند. بنابراین، لازم می‌آید تا از دری دیگر وارد شده و مسئله وجود مواد در زندان‌ها را، به رغم به کارگیری اقدامات سخت‌گیرانه، واکاوی کنیم. قدرت در معنای فوکویی می‌تواند به خوبی توضیح دهد که چگونه مواد مخدر نقش مهمی در تعامل میان زندانیان و کارکنان یا میان خود زندانیان ایفا می‌کند و در نتیجه، شناخت آن به ما اجازه درک روایت‌های جایگزین دیگری را می‌دهد. در نهایت، با توجه به اینکه محققان عموماً مقاومت را هم‌زیست قدرت می‌دانند، تلاش می‌کنیم تا مسئله وجود مواد مخدر در زندان را در چند و چون لایه‌های عمیق کردارشناسی زندانیان، که می‌توان بر اساس مفهوم مقاومت تحلیل کرد، بکاوییم؛ اینکه چرا زندانیان خطرهای پیش‌رو را به جان می‌خرند و حضور مواد در زندان‌ها را هر لحظه به آگاهی همگان می‌رسانند.

۱. اقتصاد مبتنی بر مواد مخدر در زندان

بدون اینکه خود را وارد این دعوای بی‌پایان نظریه‌های واردات و محرومیت^۱ بر سر جراحی رفتارهای خلاف قانون زندانیان کنیم، به طور یقین می‌دانیم که زندانی در شکل

به رغم عدم وجود آمار دقیق راجع به میزان مواد در زندان به دلیل عدم اهمیت آمار جنایی به‌طور کلی و بسیاری دلایل دیگر، سیاست‌گذاران و جرم‌شناسان ایرانی بر این موضوع توافق دارند که مسئله مواد مخدر در زندان‌ها، مخصوصاً در سال‌های اخیر، به سطح بسیار نگران‌کننده‌ای رسیده است.

1. Importation and Deprivation Theory

توضیح اینکه چرا زندانیان در زندان مرتکب رفتارهای خلاف قانون همچون خشونت، مصرف یا خرید و فروش مواد مخدر و غیره می‌شوند، عمدتاً در چارچوب دو نظریه واردات و محرومیت صورت می‌پذیرد. نظریه واردات تأکید می‌کند که ویژگی‌هایی که زندانی با خود به پشت میله‌ها آورده، پیش‌بینی می‌کنند که وی در آینده چگونه رفتار خواهد داشت؛ از این حیث، متغیرهایی همچون سن، جنسیت، نژاد، سابقه کیفری، وضعیت روانی، اجتماعی و اقتصادی و تأهل، فرایند تصمیم‌سازی زندانیان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برعکس، نظریه محرومیت، ساختار زندان را تبیین‌کننده سوء رفتارهای زندانیان می‌داند و معتقد است که محرومیت‌های زندان، همانند محدودیت در برقراری ارتباط با اجتماع و خانواده، تنهایی و کاهش توانایی اقتصادی، رفتارهای خلاف زندانیان را پیش‌بینی‌پذیر می‌کند (غلامپور، ۱۳۹۸، ۶۴-۶۸).

جدید زندگی، دردهای بسیاری را مستمراً تجربه می‌کند؛ دردهای حاصل از عدم دسترسی به مواد مورد نیاز، استرس‌های پس از اتفاقات مجرمانه و تجربه اختلالات متعدد روانی همچون اضطراب و افسردگی‌های مزمن (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۵، ۱۲)، بی‌پولی، محرومیت از بسیاری از لذت‌های عادی همچون غذای مورد علاقه، استحمام، تفریح و در یک کلام از دست دادن سبک زندگی خاص، جدایی از خانواده (همانند همسر، فرزندان یا پدر و مادر) و دوستان، درد ناشی از زندگی کاملاً اشتراکی در زندان، تنش‌ها و خشونت‌های میان هم‌سلولی‌ها و بسیاری از دردهای دیگر. بنابراین، طبیعی است که حتی کسانی که بیرون از زندان مواد مصرف نمی‌کنند، در زندان رنج‌های خود را با مصرف انواع مواد آرام‌کننده (Deuchar & Densley, 2023). از این حیث، مفهوم «دردهای زندان»^۱ به‌تمامی می‌تواند علت مصرف مواد را تبیین کند.

توزیع‌کنندگان مواد مخدر می‌دانند که مشتریانانشان، شکست‌خورده‌گانی‌اند که برای تحمل دردهای زندان به شدت به مواد احتیاج دارند و طبیعی است که حاضرند هرآنچه دارند، برای این داروهای آرامش‌بخش بدهند. بر همین اساس، معامله‌های مواد در زندان کاملاً از اصول بازار پیروی می‌کند و فروشندگان و خریداران در چرخه‌ای به مراتب نابرابرتر از دنیای بیرون و با قیمت‌های عموماً تحمیلی و بسیار بالا، رابطه‌شان را بازتولید می‌کنند. اما این مناسبات اقتصادی ره‌آورد فرعی دیگری هم دارد؛ همراه با ثروت، ارزش به‌ظاهر ناملموس ولی بسیار بااهمیت قدرت نیز برای توزیع‌کنندگان به دست می‌آید و آنان ماحصل زحمات و ریسک‌های خود را با ثروت و قدرت می‌بینند (باقری و حیدری، ۱۴۰۰).

این حلقه اقتصاد و قدرت آن‌چنان نیرومند است که حتی می‌تواند دست اشخاص ضعیف را گرفته و آن‌ها را به بالای هرم سلسله مراتب قدرت در زندان برساند و بنابراین نقش‌ها، وظایف و حقوق اعضای جامعه زندانیان را عملاً اقتصاد می‌نویسد. برخی جامعه‌شناسان معتقدند که مواد مخدر مهم‌ترین فعالیت تجاری زندان به حساب می‌آید و بر همین اساس، عبارت «هرکس مواد دارد، قدرت دارد»، می‌تواند رؤیای قدرت برای همه دست‌یافتنی نشان دهد (Slade & Azbel, 2022).

همه تابع سودند و برای آن کار می‌کنند؛ احترام و اعتبار، رفاه و بهداشت و هرچیز عالی در زندان برای کسانی است که به کار توزیع مواد در زندان مشغول‌اند.

نقش خشونت‌گر و خشونت‌دیده نیز در دست‌ان این صاحبان قدرت می‌چرخد، به طوری که آن‌ها تعیین می‌کنند که چه کسی به خاطر عدم پرداخت بدهی‌های مواد یا مسئله‌های دیگر آسیب برساند و چه کسانی و به چه صورت به آن‌ها خدمت کنند (Tompkins, 2016, 149). خادمان اهمیت بدهی‌های مواد یا هرگونه نقض وظیفه را با توجه به آینده‌نگری تقریباً قطعی راجع به سرنوشتشان به خوبی می‌فهمند و بنابراین دنیایی از ترس، استثمار و تهدید و صحنه‌هایی عجیب و غریب از خشونت در جامعه زندان حکم فرماست (Crewe, 2006). البته، به باور کرو (۲۰۰۵)، «قدرت پودر»^۱ بسیار سیال است و بنابراین مشتاقان آن بایستی حافظان خوبی برای آن باشند. به محض تمام شدن مواد، این قدرت هم ناپدید می‌شود و به همین جهت بازپس‌گیری پول حاصل از فروش به هر قیمتی اهمیت دارد. با وجود این، آن‌ها هیچ‌گاه طالب بی‌نظمی و خشونت نیستند، زیرا با ظاهر شدن بی‌نظمی و خشونت، افسران بدون هیچ‌گونه اغمازی بساط سخت‌گیری را پهن و بازارشان را حتماً کساد می‌کنند. به همین دلیل، خشونت همواره آخرین راه حل به حساب می‌آید.

مواد خشونت‌آفرین است و همه را در بدهی، ترس، تهدید، بردگی و فساد غرق می‌کند و به طور کلی، زندگی اجتماعی زندانیان را کاملاً تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. حتی بندهای عاری از مواد هم در امان نیستند. اتفاقاً فروشندگان به دلیل آگاهی از حساسیت مصرف‌کنندگان ره‌اشده از اعتیاد در دوران پرهیز، سرمایه‌گذاری ویژه‌ای روی آن‌ها انجام می‌دهند؛ ابتدا مواد را به صورت رایگان به آنان تعارف می‌کنند و سپس آن‌ها را به آن رابطه اقتصادی مبتلا می‌سازند (Tompkins, 2016, p.150). وضعیت در مورد کسانی که در درمان‌های نگهدارنده شرکت می‌کنند نیز به همین اندازه قابل پیش‌بینی است؛ برخی شرکت‌کنندگان این برنامه‌ها به صورت مخفیانه مقداری از مواد مورد نیاز خود را کاهش داده و از محل مواد ذخیره‌شده خود، تلاش می‌کنند تا آرزوی رسیدن به ثروت و قدرت را به واقعیت

1. Powder Power.

تبدیل کنند. حتی برخی، مصرف‌کننده هم نیستند و تنها برای دستیابی به منبع مورد نیاز، رفت و آمد مستمری به واحدهای درمان نگهدارنده ترتیب می‌دهند (Norman, 2023). بنابراین، هیچ‌جایی از زندان را نمی‌توان سراغ گرفت که اقتصاد مواد مخدر بر آن سایه نینداخته باشد. از همکاری دو یا چند نفر به عنوان فروشنده، حامل و خرده‌پا نیز نمی‌توانیم پایه‌ای برای ساخت یک فرهنگ جمعی بنا کنیم؛ هرچند ممکن است خرده‌فرهنگی بر پایه مال شکل بگیرد، اما حکومت‌داری امیال فردی بر این فعالیت‌ها به اندازه‌ای قوی است که اجازه فکر کردن به یکپارچگی را نمی‌دهد و بنابراین، فردگرایی در مرکز معناکاوی مواد مخدر در زندان قرار می‌گیرد.

با وجود این توضیحات، روشنگری‌هایی که تحلیل‌های اقتصادی از جامعه زندانیان و مواد ارائه داده، به دل بسیاری از جامعه‌شناسان انتقادی زندان ننشسته است. به نظر آنان، تحلیل‌های اقتصادی بر لایه‌های پنهان واقعیت حجاب کشیده‌اند و حتی در تحلیل مناسبات قدرت نیز موفق عمل نکرده‌اند. ما در این تحلیل‌ها فقط سویه اقتصاد و قدرت را برجسته می‌بینیم؛ حال آنکه مسئله «قدرت-مقاومت»، به ویژه در روابط میان کارکنان و زندانیان که قلب زندان به حساب می‌آید (Liebling, 2000)، اصلاً جایی در محاسبات اقتصادی نداشته است. و این مسئله، تحلیل‌های اقتصادی را با نقد تقلیل‌گرایی^۱ روبه‌رو می‌کند؛ این تحلیل‌ها فقط رویه ظاهری معامله‌ها را نشان می‌دهند و نمی‌توانند نقاب را کاملاً کنار بزنند و جبهه زندانیان را در مقایسه با کارکنان زندان، و تعامل‌ها و تقابل‌های آن‌ها با یکدیگر را با میانجی مواد مخدر آشکار سازند.

البته، می‌پذیریم که مناسبات اقتصادی بر چگونگی توزیع مواد در جامعه زندان تأثیر می‌گذارد، ولی به فراروایت^۲ بودن آن منتقدیم و اتفاقاً اعتبار بسیار زیادی برای

1. Reductionism.

تحلیل تقلیل‌گرا به این معناست که تنها به جنبه‌های ظاهری و سطحی یک پدیده توجه می‌کند و از تحلیل لایه‌های عمیق‌تر و چندبعدی آن ناتوان است.

۲. فراروایت یا کلان‌روایت نوعی چارچوب نظری است که به جهت ادعای کلان بودن، می‌تواند یک پدیده را به طور کامل تبیین کند و بنابراین امکان شکل‌گیری دیدگاه‌های نظری جایگزین را نفی می‌کند و آن‌ها را بی‌اعتبار می‌داند.

روایت‌هایی که آشفتگی صدای این فراروایت را علنی می‌کنند، قائلیم. معتقدیم که تبیین‌های اقتصادی دیدگاه تعمیم‌یافته‌ای راجع به وجود مواد در زندان‌ها ارائه می‌دهند که براساس آن، تنها علت وجود مواد در زندان‌ها، مسئله سود و اقتصاد است؛ درحالی‌که مسئله قدرت در زندان، در درک مواد در زندان‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. سؤال دیگر این است که خشونت فراگیری که ادعا می‌شود مواد و فرهنگ فردگرایانه‌اش در زندان تحمیل کرده، واقعی است یا ظاهری؟ آیا فعالیت‌های مرتبط با مواد واقعاً زندانیان را خشن‌تر می‌کند یا اینکه این یک کلیشه است که ذهن ما را به شدت اشغال کرده است؟ آیا تحلیل‌های اقتصادی با این ادعا که بدهی مواد با خشونت حل و فصل می‌شود، مسئول اصلی جا انداختن این موضوع در نگرش‌ها و سیاست‌هایمان نیستند؟ اگر روایت‌های دیگر بتوانند واقعیت معقول‌تری را به ما نشان دهند، قطعاً آن را به عنوان یکی از نقاط ضعف تحلیل تک بعدی اقتصادمحور مواد خواهیم دانست.

۲. دیدگاه مبتنی بر قدرت در رابطه با وجود مواد در زندان

به نظر می‌رسد سر صحبت را باید با مسئله نظم اجتماعی زندان باز کنیم تا بتوانیم عمیقاً وارد تحلیل رابطه میان قدرت و مواد مخدر در زندان شویم و ببینیم که قدرت تا چه اندازه رابطه نظم اجتماعی زندان و مواد مخدر را پیچیده ساخته است. اساساً اگر بخواهیم برای تعریف و درک نظم اجتماعی زندان، خود را مشغول تجزیه و تحلیل سیاست‌های رسمی زندان کنیم، خطای ساده‌سازی را مرتکب شده‌ایم. برعکس، آگاهی از ادبیات آزادی عمل در دستگاه عدالت کیفری به ما می‌آموزد که افسران زندان نیز قطعاً می‌توانند با دستورات و تنظیم‌گری‌های خود در ایجاد نظم اجتماعی زندان سهیم باشند و حتی قدرت بالایی در تعیین و اجرای تنبیهات انضباطی و مجازات‌ها یا اعطای برخی امتیازات به زندانیان و چشم‌پوشی از رفتارهای غیرقانونی آنان داشته باشند (Liebling, 2000). از این حیث، نظم زندان با قدرت افسران عجین شده است.

اساس شکل‌گیری این قدرت در بسترباط با دیگران شکل می‌گیرد؛ به

صورتی که موجب می‌شود در نهایت تابعان تصمیم بگیرند که دستوری را انجام دهند (بعد مثبت) یا ندهند (بعد منفی). حال، این قدرت ارتباطی^۱ در سنت فوکویی معلوم است که مذاکره‌کننده است؛ یعنی برای اینکه به وجود قدرت در معنای واقعی باور داشته باشیم، بایستی آن را در بستر تعامل با دیگران بباییم. از همین رو، برای اینکه افسران قدرت را اعمال کنند، بایستی وارد مناسبات ارتباطی با دیگران شوند. در واقع، برای اینکه جریان زندگی عادی در اجتماع زندانیان همیشه احساس شود، افسران با زندانیان خود در اعمال و اجرای قدرت قطعاً وارد فرایند مذاکره خواهند شد (Bosworth & Carrabine, 2001) و قدرت را در بعد مثبت و منفی در یک ارتباط غیرخطی تحمیل می‌کنند (گرجی ازندریانی و مرتضوی، ۱۳۹۷، ۱۴-۱۵). اما پرسش این است که در این مذاکره، برخی به ظاهر عقب نشینی‌ها تا چه اندازه اجرای قدرت را آن‌طور که مورد نظر افسران است، تضمین می‌کنند. به نظر می‌رسد که قدرت، آیین و شیوه‌های کنترل مواد و در حقیقت آنچه می‌توانیم به آن «فرهنگ کنترل مواد مخدر» بگوییم را به صورتی سازمان داده که رابطه قدرت را تضمین نماید؛ اینکه بالاخره افسران سرنوشت‌ها را بنویسند و زندگی با دستور آن‌ها بچرخد. از این حیث، ماهیت قدرت نه یک نوع دارایی، بلکه از جنس اجرا و اعمال کردن است. در این روال، اینکه افسران به صورت معمول کنترل‌های شدیدی در رابطه با مصرف یا توزیع مواد اعمال نمی‌کنند، درخشش قدرت را می‌تاباند (Snacken, 2017; Kolind, 2015). کافی است وضعیت زندگی در زندان را در حالتی تصور کنیم که افسران روزانه تعداد زیادی از زندانیان (قبلاً گفتیم که بیشتر زندانیان مصرف‌کننده مواد هستند) را به دلیل نقض مقررات مواد مخدر در بند انواع و اقسام تنبیهات و ضمانت‌اجراها قرار دهند. در این وضعیت جدید، مصرف‌کنندگان هر روز مشمول حبس انفرادی، از دست دادن حق ملاقات، انتقال به زندان‌های با امنیت بالاتر، لغو امتیازات مربوط به ورزش یا مرخصی یا هرامتیاز دیگری همچون سیگار کشیدن

1. Relational Power.

منظور آن است که قدرت برای اینکه شکل گیرد نیازمند مشارکت با گروه زیردست است و به همین جهت به روابط میان اشخاص درگیر معنا می‌شود. خود این موضوع بدین معناست که هیچ‌یک از دو گروه به‌طور کامل قدرتمند یا ناتوان به حساب نمی‌آیند.

(اعم از رسمی و غیررسمی) می‌شوند. بسیاری از این بخت‌برگشتگان به دلیل شرایط کنترلی شدید، بیشتر از گذشته بدن‌هایشان را مستعمره بزرگان زندان می‌کنند و به دلیل کمک به حمل یا خرده‌فروشی مواد در زندان گرفتار نظام عدالت کیفری می‌شوند. و این چرخه ادامه خواهد داشت؛ از این حیث که همواره راه‌های ورود مواد به زندان از طریق افسران فاسد یا خانواده‌ها و یا خود زندانیان کم و بیش باز است (Norman, 2023). افزایش استرس‌ها، بیماری‌های روانی، خودکشی‌ها، اوردوزها و بیماری‌های خطرناکی همچون ایدز و هیپاتیت (به دنبال اشتراکی‌سازی مصرف) از یک طرف و درگیری‌ها و خشونت‌ها بر سر کمیاب‌های باارزش از سمت دیگر، مسئولیت افسران را در برقراری نظم سنگین‌تر کرده و در عین حال همه چیز را درهم و برهم کرده و زندگی را از کار می‌اندازد. اضافه می‌کنیم که در چنین حالت بحران‌زده‌ای، سرمایه اجتماعی که افسران در غیاب کنترل‌های شدید به واسطه قدرت تعاملی که با زندانیان برقرار کرده بودند (Bosworth & Carrabine, 2001)، به شدت کاهش می‌یابد و آنان در چشمان زندانیان، بیگانگان متجاوز و متخصصی به حساب می‌آیند که قصد نابودی و ساقط کردنشان را دارند، نه بازپروری و آماده‌سازی آن‌ها برای بازگشت دوباره به زندگی.

در نهایت، آن مدیریت دوتایی و جداسازی «ما و آنها» در عیان‌ترین شکل خود نظم می‌یابد و از این پس هر دو گروه همه چیز را نوعی رویارویی دانسته و تلاش می‌کنند تا نظم مورد نظرشان را تحمیل کنند و گروه دیگر را به عقب برانند. این کردار تقسیم‌گر با دستکاری عظیم این سوژه‌های انسانی، ظاهری‌ترین شکل از تکنیک‌های قدرت را برای این گروه‌های در حاشیه به کار می‌اندازد (واعظی و صاحب‌قدم، ۱۳۹۳)؛ به صورتی که استمرار دوگانه‌سازی‌ها می‌تواند خشونت‌های فراگیر و حتی شورش‌های داخلی را در این اجتماع به هم ریخته پیش‌بینی کند. در نهایت، افسرانی که باد می‌کارند، طوفان درو می‌کنند.

1. Dividing Practices

کردارهای تقسیم‌گرا از سازوکارهای قدرت است که در یک فرایند، ابتدا جداسازی را ترتیب داده و سپس انقیاد سوژه انسانی را آغاز و ادامه می‌دهد. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: واعظی و صاحب‌قدم، ۱۳۹۳، ص ۲۲۰-۲۶۰.

با این وضعیت، آیا اصلاً چیزی از زندگی زندان باقی می‌ماند؟ افسران بنابراین پیش‌بینی می‌کنند که اگر آزادی عمل خود را خرج نکنند و با آرمان مدینه فاضله و زندان عاری از مواد، تمامی سیاست‌های سخت‌گیرانه رسمی دیکته شده را اجرا کنند و حتی برآتش آن بدمند، نه تنها این دنیای غیرعادی را هیچ‌گاه عادی نخواهند کرد، بلکه در نهایت موجب می‌شوند تا نتوانند آنگونه که دلخواهشان است، از قدرت استفاده کنند؛ بنابراین، چه ساده و معقول است که به دور از سیاست زدگی، بنشینند و از توافق میان خودشان و زندانیان برای نظم برساخته‌شان نفع ببرند. در واقع، برخلاف تصورات معمول، حتی در زندان نیز قدرت به صورت یکپارچه اعمال نمی‌شود، بلکه ارتباط سیال میان رویه‌های قدرت و رفتارهای مخالف چنین می‌نماید که زندانیان نیز در بساختن نظم اجتماعی زندان مشارکت خواهند داشت و بنابراین، فرم‌های مختلف قدرتی که تکامل و پیچیدگی‌شان را می‌بینیم، خود مدیون رویارویی با گروه زیردست به شمار می‌روند (Symkovych, 2020).

این قدرت بیش از آنکه در شکل سرکوب و سانسور ظاهر شود، می‌تواند نظم را تولید و استراتژی مدیریت زندان را با تمرکز بر مواد برون‌نمایی کند و بیش از آنکه اتوریتر باشد، به صورت معقولانه و منطقی عملیاتی شود (گرجی از ندریانی و مرتضوی، ۱۳۹۷، ص ۱۶). پروژه انطباق در این شیوه از اعمال قدرت کیفری، با اعمال شیوه‌های نرم نیز ادامه می‌یابد و از این حیث قدرت فقط در یک جهت اداره نمی‌کند (Crewe, 2007, p.258). از همین رو، مدارای افسران در برابر مصرف یا توزیع مواد یا بازرسی صوری از سلول‌ها و وسایل زندانیان، رانه از سردلسوزی و همدردی با این «جامعه اسیر»^۱ می‌دانیم، بلکه آن را یکی از ابعاد قدرت افسران در راستای ساخت نظم اجتماعی زندان و مطیع کردن (جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۴، ص ۳۳)، طبقه‌بندی می‌کنیم. کنترلی که در نهایت بیشتر مصرف‌کننده‌ها و حاملان مواد را هدف قرار می‌دهد، چه آورده‌ای را می‌تواند به نظم اجتماعی زندان اضافه کند؟ بنابراین، بهتر

1. The Society of Captives

جامعه اسیران به قلم «گرشام سایکس» از اولین و مهم‌ترین کتاب‌هایی است که در سال ۱۹۵۸ سنت مطالعات مدرن جامعه‌شناسانه را در رابطه با زندان‌ها به وجود آورده است.

است این نظم مبتنی بر زور را رها کرده و از تکنولوژی‌های جدید قدرت از جمله مدارا برای تضمین منافع‌شان استفاده کنند. قدرت، به جای آنکه خود را به زحمت بیاندازد و با خشونت ناشی از شیوه سرکوب کلنجار برود، می‌تواند با مدارا رفتارهایی را در میان زندانیان شکل دهد که هم به هم زنده نظم اجتماعی زندان نباشد و هم این فکراشتباه را در ذهنشان بنشانند که قلمرو زندان برای آنهاست و محل انتخاب‌های رفتاری آزادانه‌شان؛ حال آنکه سوژه‌سازی در حال پیشروی است (فوکو، ۱۹۷۵، ص ۳۸۴-۳۸۵).

از این حیث، تمامی اجزای این فرهنگ کنترل به گونه‌ای قوام یافته‌اند که جای ایده‌هایی همچون نظامی‌سازی کنترل را فقط در قوانین و دستورالعمل‌ها می‌دانند که به درد دنیای درون زندان نخواهد خورد، و در عوض با همفکر ساختن افسران در کنار یکدیگر، از توجیهات آنان برای چگونگی کنترل مواد مخدر حمایت می‌کند (Kolind, 2015, p.805). فرهنگ افسران حتی از برنامه‌های درمانی نیز اعتمادزدایی کرده و ادامه اجرای آن را تنها به سبب امکان کنترل رفتارهای زندانیان با توجه به شرایط و محدودیت‌های حاکم، توجیه می‌کند. این فرهنگ به درستی پاسخ ساده‌ای را برای مسئله به ظاهر پیچیده «مدارا تا کجا؟» سرهم کرده که قدرت افسران را بازتولید می‌کند و موجب می‌شود افسران معادله نظم اجتماعی و خشونت را به نفع برقراری نظم اجتماعی حل کنند؛ مصرف و توزیع مواد تا آنجا با سیاست عدم مداخله پشتیبانی می‌شود که خشونت‌ی که نظم اجتماعی را برهم می‌زند، شکل نگیرد. به محض شکل‌گیری خشونت، همه چیز قربانی برقراری نظم دلخواه افسران شده و به دست قدرت انعطاف‌ناپذیر محو می‌شود. بنابراین، میکروفیزیک قدرت در همه جا پخش است و در ارتباط با آزادی، خود را به شکل‌های مختلف درمی‌آورد (ساداتی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ این قدرت ظریف در جزئیات نیز دخالت می‌کند و حتی برای افسران مشخص می‌کند که در مورد کدامیک از انواع مواد مخدر یا ممنوعه همچون کانابیس، حشیش، هروئین، الکل، بوپرنورفین، متادون و روان‌گردان‌های جدید چگونه رفتار کنند.

البته، صاحبان قدرت تنها خشونت را عامل تهدید نظم اجتماعی نمی‌بینند و هر

زمان احساس کنند که مصرف و فروش به حدی رواج یافته که به صورت بالقوه ممکن است در واقعیت عادی زندگی زندان دخالت کرده و آن را تغییر دهد، تنظیم‌گری را آغاز می‌کنند (Kolind, 2015, p.802). بنابراین، این قدرت مبهم و ناطمینان عمل کرده و پیش‌بینی‌پذیری رفتارهای افسران را برای زندانیان محدود می‌کند و آن‌ها را همیشه در وضعیتی متلاطم نگه می‌دارد (افتخاری و راجی، ۱۴۰۱، ۳۵۴). همین حس همیشه تحت کنترل بودن، سوءظن را زنده و به زندانیان قید و بندی نامرئی می‌زند؛ آن‌ها همیشه احساس می‌کنند در مخمصه هستند و بنابراین موعظه‌های ناگفته را می‌شنوند و سعی می‌کنند تا همه چیز را در سکوت برگزار کنند.

۳. مقاومت^۱ به عنوان برنامه عمل زندانیان در رابطه با وجود مواد در

زندان

قدرت از فنون متنوعی برای سوژه‌سازی بهره می‌برد و سوژه‌ها نیز در درون همین فرایند، از سوژه قدرت شدن می‌گیرند. به قول فوکو «هرجا قدرتی وجود داشته باشد، قطعاً مقاومت نیز وجود دارد» و مقاومت هرگز موقعیت بیرونی نسبت به قدرت ندارد. در واقع، از نظر فوکو، مقاومت از درون قدرت به وجود می‌آید و بدون وجود قدرت نمی‌توان از مقاومت صحبت کرد (Foucault, 1978, as cited in Rubin, 2015). روان‌شناسان اجتماعی مقاومت را به عنوان فرایند و عملی معرفی می‌کنند که موقعیت فرودست یک شخص یا گروه را در یک سیستم اجتماعی معین به چالش می‌کشد (Haslam & Reicher, 2012, 154-155). برای مقاومت، مبنای جمعی نیز تعریف می‌کنند که در آن، این «ما»ی پویا از طریق توسعه هویت اجتماعی، خود را به عنوان منتقد، مخالف و حتی برانداز سیستم مسلط بازتعریف می‌کند و منبعی جمعی می‌آفریند که عنصر قدرت را به چالش می‌کشد. البته، برای اینکه رفتار گروهی را مقاومت بدانیم، هرگز نیاز نیست که آن گروه اندیشه پیروزی را حتی از گوشه ذهنشان گذرانده باشند و به همین جهت، مقاومت برای بقا یا اعلام هویت مخالف نیز قطعاً مقاومت به حساب می‌آید (Bosworth & Carrabine, 2001).

1. Resistance.

در حقیقت، مقاومت یک نوع بازنمایی از آن هویت و دنیای اجتماعی زندانیان است که آسیب‌پذیری نظم اجتماعی موجود را عیان می‌سازد. از این جهت کافی است که زندانیان مخالف باشند و از اجتماع زیر پوست شهر حمایت کنند و این حس «ما بودن» را با ابتنا بر نظم روزمره‌شان زنده نگه دارند. از این جهت، فعالیت‌های مرتبط با توزیع مواد و به‌طور کلی جریان مواد در زندان، مقاومت به حساب می‌آیند (Haslam & Reicher, 2012, 154-155; Crewe, 2007). با توجه به مطالعات در این زمینه، می‌دانیم که مقاومت در یک پیوستار ترسیم می‌شود و بنابراین نمی‌توان آن را در انحصار یک یا چند رفتار تصور کرد. بر این اساس، همان قدر که اعتصاب غذا یا شورش با انگیزه آشکار سیاسی، مقاومت به حساب می‌آید، توزیع مواد در زندان نیز می‌تواند به‌عنوان مقاومت طبقه‌بندی شود. در واقع، جامعه‌شناسان زندان با مفهوم «پرکتیس‌های روزمره مقاومت»^۱ رفتارهایی که زندانیان به‌طور روزانه انجام می‌دهند، همچون تهیه غذا و لباس و به‌طور کلی هر رفتاری که برای حفظ خودمختاری و حفظ روح انسانی با نقض مقررات زندان صورت می‌گیرد را در چارچوب مقاومت قرار داده‌اند (Rubin, 2015; Mjåland, 2015; Ugelvik, 2011; Rubin, 2015, 24).

حتی این استدلال که فعالیت‌های مرتبط با مواد با انگیزه اقتصادی صورت می‌گیرد و بنابراین سویه فردگرایانه آن حالت جمعی مقاومت را در هم می‌شکند، نیز نمی‌تواند بین این رفتارها و مسئله مقاومت فاصله آنچنانی ایجاد کند. تأمین مالی از راه نامشروع خود یکی از هنجارهای خرده‌فرهنگی است که زندانیان را هم‌شکل ساخته و آن نگاه خودتنظیمی قدرت مدرن متأخر یا اطاعت محض از قدرت مدرن را زیر سؤال می‌برد و قدرتی را از نو می‌سازد که می‌تواند تجارت عمده را به جریان بیندازد. از این حیث، ضریب اطمینان‌مان در رابطه با وصف مقاومت این گونه رفتارها، به یقین میل پیدا کرده است. در واقع، ممکن است انگیزه ظاهری آنان

1. Everyday Practices of Resistance

رفتارهایی که زندانیان به‌صورت روزانه انجام می‌دهند، همچون تهیه غذا، لباس و به‌طور کلی هر رفتاری که برای حفظ خودمختاری و حفظ روح انسانی از نظریک فرد با نقض مقررات زندان صورت گیرد.

افزایش سطح رفاه در زندگی زندان باشد، ولی در لایه‌های پنهان خود، هویت جدیدی را برملا می‌کند که صدای «ما شایسته بهتر از آن چیزی هستیم که شما برای ما خواسته‌اید» را بالاخره به بیرون رسانده‌اند (Ugelvik, 2011). حتی ماتیسون (۱۹۶۵) معتقد است که برای اینکه رفتاری را مقاومت بدانیم نیازی نیست که حتماً به صورت جمعی صورت گیرد و بنابراین، رفتارهای فردگرایانه نیز مقاومت را تداعی می‌کنند. به همین جهت، این انگیزه‌های اقتصادی را نمی‌توانیم مزاحم مسئله مقاومت زندانیان در برابر قدرت بدانیم؛ حداقل این است که مکمل آن می‌دانیم.

حال اگر بپذیریم که این رفتارها مقاومت به حساب می‌آیند، چگونه می‌توانیم وجود همزمان خشونت و تحلیل مقاومت را تصور کنیم؛ خشونتی که حاصل از مواد کد زندانیان^۱ را بی‌اعتبار می‌کند و این خود در تناقض با مقاومت و همبستگی جمعی قرار می‌گیرد. پاسخ این است که هر دوی این‌ها واقعی‌اند و به‌رغم ناسازگاری‌شان، وجود یکی دیگری را نفی نمی‌کند. در واقع، همواره در جمع زندانیان کسانی هستند که اهداف فردگرایانه و رفاه‌طلبی را پی‌جویی کرده و در این راه حتی از استعمار هم‌نوعان خود و خشونت نسبت به آن‌ها دریغ نمی‌کنند و بنابراین می‌توانیم آن‌ها را به چشم کج‌روان فرهنگ جمعی ببینیم. پیش‌فرض رقابت میان فروشندگان‌ها که بازارها را آماده‌باش خلق خشونت توصیف می‌کند نیز بر اساس همین تبیین می‌تواند در کنار مقاومت جای گیرد؛ وقتی که معتقدیم مقاومت یک خرده‌فرهنگ زندان به حساب می‌آید، به‌طور ضمنی می‌پذیریم که رفتار یا خرده‌فرهنگ‌های متفاوتی نیز وجود دارند که با عناصر مقاومت زاویه داشته باشند. از سوی دیگر، با توجه به استدلالمان در مورد غالب بودن مقاومت، این رفتارها را به اندازه‌ای ارجح نمی‌نهیم که مقاومت را در تاریکی فروربرد. برعکس، به نظر می‌رسد

1. Inmate Codes

کدهای زندانیان مجموعه‌ای از ایده‌آل‌های رفتاری در زندان را توصیف می‌کند که صرف‌نظر از آنکه واقعیت چگونه باشد، اجتماع زندانیان را در یکسری چارچوب‌های رفتاری متحد می‌کند؛ اینکه نباید یکدیگر را مورد استعمار قرار دهند یا با یکدیگر دعوا کنند، در امور دیگران دخالت نکنند و نباید به افسران اعتماد کنند و باید خودشان را حفظ کنند.

سازش نانوشته‌ای میان این خرده‌فرهنگ‌ها وجود دارد که بر مبنای آن هریک به زیست جداگانه خود ادامه می‌دهند (Symkovych, 2020; Rubin, 2015).

به‌طور خاص، درمان نگهدارنده اویپودی که وارد و ماروناً^۱ آن را «رنسانس توانبخشی»^۲ تعریف کرده و معتقدند که به بهترین صورت می‌تواند اهداف بازپرورانه را محقق سازد (Ward & Maruna, 2000 as cited in Mjåland, 2015, 781)، از قضا کارکردی به خود دیده که آن را به بحث مقاومت پیوند می‌زند. مطالعات میدانی نشان می‌دهد که حتی پس از معرفی و اجرای درمان‌های نگهدارنده در زندان نیز نظام توزیع مواد بی‌خاصیت و بی‌مصرف نشده‌اند و برعکس، همانند هموعان خود در جامعه، به تکامل خود حتی در قالب‌های جدید ادامه داده‌اند (Deuchar & Densley, 2023).

حال چرا زندانیان نقض عهد می‌کنند و از این خوان نعمت به اندازه خود بهره نمی‌برند؟ این برنامه‌ها منبع تجدیدپذیر زندانیان خواهند بود؛ خیال اینکه این برنامه‌ها روزی به پایان خود برسند، برای زندانیان هنوز خام است و حتی توسعه مستمر این برنامه‌ها (با توجه به توسعه آن‌ها در جامعه) را راحت‌تر در نظر می‌آورند. از این رو آنان هر روز نقشه توزیع غیرقانونی این داروها را کامل‌تر می‌کنند. به دلیل اینکه حجم این مواد در گردش غیرقانونی‌شان پایین بوده و به تبع ریسک کشف و پیامدهای پس از آن کمتر است و همچنین در بندها تخصص ویژه‌ای هم نمی‌طلبند، می‌توان حساب و کتاب زندانیان در مورد قبول این عملیات‌های فریب‌را معقول و منطقی دانست.

با این حال، فهم چرایی تولد این مسیر ماندنی و همتای ورود و خروج مواد از زندان و بهینه‌سازی روش‌های توزیع آن، پاسخ‌های سطحی و ساده پیشین را پس زده و تحلیل جامعه‌شناسانه را به پیش می‌کشد. مالاند (۲۰۱۵، ۷۸۵-۷۸۸) توزیع غیرقانونی داروها را برای جامعه زندانیان یک فعالیت طبیعی توصیف می‌کند که بنابراین تدابیر کنترلی و نظارتی در مورد شیوه اجرای این برنامه‌ها به صورت تحقیق‌کننده‌ای نسبت به

1. Tony Ward and Shadd Maruna.
2. Rehabilitation Renaissance.

همه زندانیان اعمال می‌شود و همین القای حس بی‌احترامی به جای رعایت کرامت به عنوان جزئی از درمان، منجر به بروز اختلاف فرهنگی شده و زندانیان را پیرامون هنجارهای خرده فرهنگی جدیدشان منسجم می‌نماید؛ احساس وظیفه اخلاقی برای اختلال در این سازمان.

وقتی زندانیان فرایند درمان را به صورت نمایشی خوارکننده مشاهده می‌کنند که قرار است تابعیت محض را به آنان درس دهد، طبیعی است که برنامه را زیرورو کرده و در کنار دستگیری از دوستان نیازمندان، لذت سرکشی را میان خود تقسیم کنند و از ساخت این ضدجدید نفع ببرند و بدین ترتیب رویای اثربخشی این درمان‌ها را به بهترین صورت برباد می‌دهند (Crewe, 2006).

از آن زمان که مشروعیت برنامه زیرسؤال برود و قدرت بار دیگر در قامت یک برنامه بازپرورانه ظاهر جدیدی به خود گیرد، زندانیان با بازبینی مجدد، نقض قوانین رفتاری مشروع خواهند دانست که هر زندانی، اگر توانایی اش را داشته باشد، خود را موظف به انجام آن می‌داند.^۱

کارلین (۲۰۰۵، ۴۱۲-۴۱۴) نیز با مصاحبه عمیق با گروهی از زندانیان به این نتیجه رسید که هدف نهایی این برنامه‌ها، کنترل رفتارهای زندانیان و به عبارتی آرام و مطیع کردن و خاموش ساختن تمامی زندانیان و از چرخه خارج کردن گروهی از زندانیان مشکل ساز است، نه بازپروری و شهروندسازی و فراهم کردن آنان برای ورود سربلند به جامعه. به دنبال همین حس بدبینی پیش آمده، دیگری سازی به مثابه یک پروژه قدرت بنیاد می‌گیرد (Deuchar & Densley, 2023) و از زندانیان نیروهای

۱. لیبلینگ (۲۰۰۴) با تکیه بر دیدگاه گافمن راجع به حاکمیت اخلاق بر تعاملات زندان و نظریه عدالت شکلی تایلر، معتقد است که چگونگی رفتار با زندانیان بر پیامدهای نهایی تأثیر می‌گذارد؛ در صورتی که زندانیان رفتارها، برنامه‌ها و عملکرد کارکنان زندان را منصفانه و محترمانه درک نکنند، از آن مشروعیت‌زدایی کرده و در نتیجه این محیط اخلاقی را دستخوش تغییر به سبک خودشان قرار می‌دهند. قواعد ماندلا نیز رعایت کرامت با زندانیان، آموزش رفتار کرامت مدار به کارکنان زندان، استمرار رفتار عادلانه، ثبت رفتارهای خلاف کرامت و تعیین ضمانت اجرا برای آن‌ها را از اصول مهم رفتار با زندانیان برمی‌شمرد و از دولت‌ها درخواست اهتمام به مدیریت زندان‌ها با رعایت این اصول را دارد (ابراهیمی، شهرام، ۱۳۹۷، ص ۹۶-۹۲).

مقاومتی می‌سازد که با مجموعه‌ای از رفتارها همچون عدم حضور در برنامه‌ها، شکایت صریح راجع به محتوای برنامه‌ها، عدم رعایت مقررات برنامه و در نهایت دور زدن آن و خنثی‌سازی اهداف، در برابر صاحبان قدرت تمام‌قد می‌ایستند و از استقلال هویتی خود در برابر این فرایند کنترل دفاع می‌کنند.

از سوی دیگر، نتایج مطالعات میدانی نشان می‌دهد که به موازات دنیای خارج^۱ این اصل بدیهی انگاشته شده که زندان ملک اقتصاد است، پرابلماتیزه شده و در پس‌زمینه آن، خرده‌فرهنگ اشتراک‌گذاری مواد تحت تأثیر هنجارها و روابط اجتماعی میان زندانیان، به بار نشسته است. زندان بیش از هر چیز دیگری یک جامعه است که در آن مناسبات اجتماعی در رفتارهای روزمره همچون پخش و توزیع مواد نیز برقرار است ((Slade & Azbel, 2022, 41).

مالاند (۲۰۱۴) با تئوریزه کردن این خرده‌فرهنگ، اشتراک‌گذاری را در شیوه‌های مختلف صورت‌بندی می‌کند که بر مبنای آن، تعهد و منفعت اقتصادی پشت پرده هدیه دادن جای می‌گیرد. این تعهد در درون این روابط اجتماعی، همراه با مایه‌هایی از مراقبت، شفقت، منفعت شخصی و هنجار عمل متقابل، دو نوع همکاری متقابل عام^۲ و همکاری متقابل معمولی یا برابر^۳ را شکل می‌دهد. به این ترتیب که در رابطه

۱. به باور جرم‌شناسان، اتکا به چارچوب اقتصادی برای تحلیل کنش‌های انسانی، این مفهوم بدیهی را که بازار در بستر جامعه شکل گرفته و در جریان است، نادیده می‌گیرد. حال آنکه فرایندهای فرهنگی و اجتماعی و در یک کلام بافت اجتماعی معاملات، از عناصر مهم در ساخت شناسی بازار مواد به حساب می‌آید. بر همین اساس، جامعه‌شناسان بازار را نوعی فضای خالی توصیف می‌کنند که روابط اجتماعی متنوع و در حال تغییر آن را پرمی‌کند؛ در واقع، درهم‌تنیدگی اجتماعی میان فروشندگان و خریداران، شبکه‌ای اجتماعی را شکل داده و بر سازوکار قیمت‌گذاری و تعدیل قیمت مواد تأثیر گذاشته است. این کنشگران اجتماعی از خلال یک رابطه پویای اجتماعی، مناسبات اقتصادی میان یکدیگر نیز برقرار می‌کنند. روابط اجتماعی نهادینه شده میان فروشندگان و خریداران موجب می‌گردد که آنان به دور از پیش‌بینی‌های اقتصادی، این ارتباط را در آینده تداوم بخشند و برای حفظ همین فرایند اجتماعی، احتمالات الگوی اقتصادی را برهم نزنند. رواج رفتارهایی مانند دادن مواد به صورت رایگان (هدیه) یا نسیه به هنگام خرید، نشان می‌دهد که آنان بیش از آنکه افزایش قیمت مواد را دنبال کنند، می‌خواهند رابطه اجتماعی مستمری را با دیگران برقرار کنند (Sandberg, 2012).

2. Generalized Reciprocity.

3. Balanced Reciprocity.

با مواد مخدري که از بيرون به زندان با روش‌های مختلف آورده می‌شود، نوع همکاری متقابل از نوع عام است که در آن برگشت این کالا به زمان و مقدار و نوع خاصی مقید نیست؛ بلکه هر زمان که گیرنده امکانش را داشت و از زندان خارج شد، باید هنگام بازگشت آن را با دیگران به اشتراک بگذارد. اما در رابطه با موادی که با دور زدن برنامه‌های درمان نگهدارنده به دست می‌آید، بیشتر بر اساس مدل معمول همکاری متقابل توزیع می‌شود؛ یعنی اصولاً انتظار بازگشت آن کوتاه بوده و ممکن است همراه با کالای نمادینی همچون تنباکو، سیگار، غذا و غیره باشد.

در چنین بستراجماعی، ضمانت اجرای این مبادله‌ها به جای آنکه با خشونت پشتیبانی شود، اغلب با تحقیر، طرد و از دست دادن اعتماد، مکانیسمی اجتماعی می‌سازد که همه را قانع و مایل به همکاری می‌کند و به قدرت این خرده‌فرهنگ می‌افزاید. در واقع، اگر خود را جای زندانی در این اجتماع محلی قرار دهیم، به راحتی درک می‌کنیم که چرا این مدل بده‌بستان‌ها باید در جریان باشند؛ برای اینکه همیشه موادت را داشته باشی، باید همیشه بدهی وگرنه همه چیز باخت است. مجموعه روابط میان زندانیان با بر ساخت خرده‌فرهنگ به اشتراک‌گذاری و هویت یافتن یک کارکرد اجتماعی جدید، استراتژی‌ای را برپا می‌کند که می‌توانیم آن را پرچمدار مقاومت بدانیم؛ چنان‌که هرگاه کنترل ورود مواد به زندان شدت بیشتری به خود می‌گیرد، همبستگی توسعه و دفاع جمعی قوی‌تری در برابر دردهای زندان شکل می‌گیرد.

نتیجه مطالعات سنخ‌شناسی توزیع‌کنندگان مواد در زندان‌ها نیز از این حیث جالب به نظر می‌رسد. در قرقیزستان، اسلید و آزیل (۲۰۲۰) با مطالعه زندان‌های قرقیزستان به این نتیجه رسیدند که مکانیسم‌های غیربازاری و گروهی بر توزیع مواد حاکم است. پنفولد و همکاران سه گروه از فروشندگان سطح پایین، سطح متوسط و سطح بالا را از هم متمایز کرده‌اند که اولی کاملاً سودمحور است و دومی هم دست کمی از اولی ندارد. نکته جالب آن است که سومین دسته را گروه‌های اجتماعی تشکیل می‌دهند که کمک به دوستان و نزدیکان برایشان معنا دارد و در نتیجه، برای فعالیت‌های سودآور تنها نقشی در حاشیه دارند. بنابر مطالعه تامپکینز (۲۰۱۶) نیز

هرچند گروه «تشکیلات باسابقه و صاحب‌نام»^۱ و «عرضه‌کنندگان مستقل»^۲ بازارهای مواد را می‌چرخانند و هر دو از سود سرخط می‌گیرند، ولی در میان دسته دوم، گروهی هستند که سود را پشت سر گذاشته و اشتراکی‌سازی مصرف مواد را زمینه مناسبات خود با دیگران قرار داده و از این طریق خیرخواهانه برای جمع می‌کوشند.

در نتیجه، درست است که اشتراک‌گذاری را نمی‌توانیم به رفتار تمام زندانیان در تمام زندان‌ها تعمیم دهیم، ولی حداقل با توجه به نتیجه چندین مطالعه در دنیای خارج و داخل زندان، تا این اندازه می‌توانیم بپذیریم که در زندان‌های کوچک و محلی (ترکیب قومیت محور)، خرده‌فرهنگ به اشتراک‌گذاری جریان توزیع مواد مخدر را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در مجموع، چرخش ناخواسته برنامه‌های درمانی به سمت مورد نظر زندانیان و خرده‌فرهنگ اشتراک‌گذاری، کنشگری زندانیان را به نمایش می‌گذارد. مقاومت زندانیان، آن‌ها را عاملانی توصیف می‌کند که هرچند آرام و مطیع ممکن است به نظر برسند، ولی با رهایی از سوژه شدن و در قالب‌های فردی یا جمعی و انجام اقداماتی در پشت صحنه، به نظم کیفری لرزان و شکننده توجه می‌دهند و فروغ قدرت را کم‌رنگ می‌کنند.

نتیجه‌گیری

به قدری فروش و مصرف مواد در کنار هم در زندگی زندانیان جاخوش کرده‌اند که به شکل یک فعالیت پیش‌پا افتاده توصیف می‌شوند. حال، چگونه می‌توانیم به حذف این دیرینه‌های ریشه‌دار از زندان فکر کنیم؟ اگر حتی به این موضوع فکر کنیم که می‌توانیم با برنامه‌هایی مانند آزمایش‌های تصادفی مواد در میان زندانیان یا بازرسی‌های بسیار سخت‌گیرانه، میان مواد و زندان جدایی بیندازیم، به نظر می‌رسد دچار سوءگیری خوش‌بینانه‌ای شده‌ایم. شکست برنامه‌های آزمایش اجباری اعتیاد

1. Established Enterprises.
2. Separate Suppliers.

زندانیان^۱ در زندان‌های انگلستان که موجب شد تا مصرف از کانابیس به هروئین تغییر کند (Tompkins, 2016, 145-146)، باید به چشم سیاست‌گذاران بزرگ بیاید. حتی اگر همانند کشورهای اسکاندیناوی همچون نروژ، دانمارک و فنلاند از یک سودرمان‌های نگهدارنده و برنامه‌های ترک محور را توسعه دهیم و از سوی دیگر قاطعانه مقابل ورود مواد بایستیم و بر تسامح صفر اصرار کنیم (Kolind et.al, 2013)، باز هم نمی‌توانیم بگوییم موفق شده‌ایم. دور زدن برنامه‌ها بخشی از جنبش مقاومت است و بنابراین ادامه خواهد داشت. اما این امراثرات ناخوشایندی در رابطه با سلامت زندانیان بر جای می‌گذارد؛ از جمله افزایش بیماری‌های عفونی و واگیردار.^۲ از سوی دیگر، رژیم‌های اصلاحی که زندانیان آن را به عنوان فناوری‌های نظارتی و نه ابزارهای بازپروری درک می‌کنند، نمی‌توانند زندانیان جامعه پذیر شده را به اجتماع تحویل دهند. نیروهای دیگری هم بالاخره آغاز به کار خواهند کرد و برای مثال روانگردان‌های جدید که به ندرت در آزمایش‌ها ظاهر می‌شوند و در بازرسی‌های معمول نیز به راحتی کشف نمی‌شوند، سراز زندان در می‌آورند و همه محاسبات را به هم می‌ریزند (Duke, 2020).^۳ در واقع، در دیالکتیک کنترل، قدرت از مقاومت نیرو می‌گیرد و مقاومت نیز از درون قدرت زاییده می‌شود و بنابراین این فرایند تا بی‌نهایت پیش می‌رود. زندانیان ممکن است گاهی نیروهایشان را تا اندازه‌ای از دست بدهند و حتی خرده فرهنگ خشونت برای مثال اتحادشان را بدزدند، اما در نهایت فرهنگ مقاومت همیشه باقی است و به حیات خود ادامه خواهد داد (سادات شفیع،

۱. با افزایش آمارهای مصرف مواد مخدر در انگلستان از اواخر دهه ۹۰، دولت محافظه کار و سپس دولت کارگر، با تأکید بر کاهش عرضه و کنترل مصرف، روش آزمایش اجباری اعتیاد (Mandatory Drug Testing) را در زندان‌ها اجرا کردند. اما گزارش‌های آماری نشان دادند که به دنبال پافشاری بر سراجرای این آزمایش‌ها، الگوی مصرف زندانیان از کانابیس به هروئین تغییر پیدا کرده است. زیرا کانابیس تا مدت‌ها در بدن باقی می‌ماند ولی اثر هروئین خیلی زود از بین می‌رود (Tompkins, 2016, p.145).

۲. قریب به اتفاق زندانیانی که درمان‌های نگهدارنده را دور می‌زنند، اصولاً بخشی از مواد را در دهان خود نگه می‌دارند و سپس با خشک کردن و ذخیره‌سازی، آن را بین دیگران تقسیم می‌کنند. در نتیجه، این درمان‌ها که برای حفظ سلامت زندانیان معرفی شده‌اند، اثر معکوس از خود بر جای می‌گذارند.

۳. بنا بر نتایج مطالعات، نسبت مصرف روانگردان‌های جدید در زندان‌های بریتانیا بیش از جامعه تخمین زده شده است.

۱۳۹۳). به قول هاسلم و ریچر (۲۰۱۲، ۱۵۴): «انکار امکان مقاومت موجب غیرانسانی دانستن کسانی می‌شود که ستمگران خود را به چالش می‌کشند».

بنابراین، با توجه به اینکه این دعوا هیچ‌گاه برنده‌ای نخواهد داشت، به نظر می‌رسد باید فرمان سیاست‌ها را به سمت زندان‌زدایی بچرخانیم؛ احتمالاً موفق خواهیم بود، اگر مصرف‌کنندگان و خرده‌پاهای مواد یا سارقان اموال کم‌ارزش را به جای زندان، به جایگزین‌های حبس و برنامه‌های اجتماع‌محور درمانی روانه کنیم. یافته‌های علمی درباره اینکه هرچه میزان حبس طولانی‌تر باشد، احتمال مصرف مواد بیشتر خواهد بود، ما را برای پافشاری بر این پیشنهاد مصمم‌تری سازد (Cope, 2003). حداقل این است که هزینه‌های کمتری متحمل خواهیم شد.

از سوی دیگر، نتایج پژوهش‌ها درباره اینکه نوع مواد مخدر مصرفی زندانیان تابعی از دنیای بیرون است، نشان می‌دهد که الگوی مصرف مواد در جامعه، از حیث پرخطریا کم‌خطر بودن، اجتماع زندانیان را کاملاً تحت تأثیر قرار می‌دهد. هرچه هروئین و شیشه در زندان‌ها بیشتر باشد، خشونت و قدرت نیز بیشتر خواهد بود. این‌ها معلوماتی هستند که می‌توانند اولویت‌های سیاست‌گذاری را، به شرط عزم سیاست‌گذاران، مشخص کنند. باید اجتماع را نیز به داخل زندان بیاوریم تا از رنج‌هایشان بکاهیم. افزایش میزان و سطح ملاقات‌کنندگان، استفاده از دوره‌های روان‌شناسی و مشاوره، کوچک کردن زندان‌ها و شبیه‌سازی مکان زندان‌ها به زندگی واقعی می‌تواند دایره مشکلات را کوچک‌تر کند. تعهد به اجرای قواعد بین‌المللی همچون قواعد ماندلا که برای تصویب و اصلاح آن زحمات زیادی کشیده شده است، می‌تواند کمک‌کننده باشد (ابراهیمی، ۱۳۹۸، ص ۹۲۹).

با این حال، باید آگاه باشیم که مواد هیچ‌گاه حذف‌شدنی نیست و بنابراین باید تمام تلاش‌ها به سمت کاهش خشونت در زندان و افزایش سلامت زندانیانی که با مصرف مواد مخدر متحمل دردهای جدیدی می‌شوند، هدایت شود. نکته آخر آنکه باید اعتراف کنیم که فاصله زیادی میان پژوهش‌های نظری و میدانی در مطالعات حوزه زندان، به ویژه در نظام عدالت کیفری ایران، وجود دارد. بنابراین، چاره کار در بخش مطالعات آکادمیک، دعوت جرم‌شناسان به افزایش مطالعات میدانی در این زمینه است.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۷ش). *چگونگی اجرای قواعد حداقل سازمان ملل درباره رفتار اصلاحی با زندانیان در حقوق داخلی*. در: دانشنامه جرم‌شناسی محکومان، (به کوشش عباس شیری). تهران: میزان.
۲. ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۸ش). *مدیریت زندان در سنجش موازین حداقل سازمان ملل درباره نحوه رفتار با زندانیان*. در: دایرةالمعارف علوم جنایی، (زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی). تهران: میزان.
۳. افتخاری، اصغر، و راجی، محمدهادی. (۱۴۰۱ش). *تحلیل مفهوم قدرت در جامعه پیچیده پست مدرن. فصلنامه سیاست*، ۵۲(۲)، ۳۳۹-۳۶۸.
۴. باقری، حسین، و حیدری، آرش. (۱۴۰۰ش). *فهم روابط غیررسمی در بستر زندان. فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۷(۶۳)، ۲۲۹-۲۵۹.
<https://doi.org/10.22059/jpsc.2023.324705.1007806>
۵. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا، و ساداتی، سید محمدجواد. (۱۳۹۵ش). *مفهوم قدرت در جامعه‌شناسی کیفری. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۳(۱۱)، ۹-۳۸.
۶. رحیمی‌پور، ایمان؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ محقق داماد، سید مصطفی؛ فرجیها، محمد. (۱۳۹۵ش). «سیاست کاهش آسیب در قبال مصرف مواد مخدر: مطالعه تطبیقی در نظام عدالت کیفری ایران، پرتغال و کانادا»، *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۲۰(۳)، ۸۴-۱۱۰.
<http://dorl.net/dor/20.1001.1.22516751.1395.20.3.1.5>
۷. سادات شفیع، سمیه. (۱۳۹۳). *سیری در رویکردهای نظری متأخر به مقاومت. فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۱(۶۴)، ۱۳۹-۱۸۵.
<https://doi.org/10.22054/qjss.2014.345>
۸. ساداتی، سید محمدجواد؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ نوبهار، رحیم. (۱۳۹۶ش). *تبارشناسی پیوند کیفر و قدرت در نظام حقوقی ایران. فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۴(۱)، ۳۷-۶۴.
<https://doi.org/10.22059/jqclcs.2017.63738>
۹. صادقی، آزاده. (۱۴۰۰ش). *امکان‌سنجی اجرای سیاست قانونی سازی مواد مخدر در نظام عدالت کیفری ایران با رویکرد تطبیقی. فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی*، ۲(۱۲)، ۵۶۷-۵۸۹.
<https://doi.org/10.22059/jcl.2021.322882.634182>
۱۰. صادقی، آزاده، و غلامپور، مهدی. (۱۴۰۰ش). *ارزیابی طبقه‌بندی زندانیان در نظام عدالت کیفری ایران با رویکرد تطبیقی. فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۲(۲۵)، ۷۷-۱۰۵.
<http://dorl.net/dor/20.1001.1.22516751.1400.25.2.5.2>
۱۱. غلامپور، مهدی. (۱۳۹۸ش). *تحلیل حقوقی جرم‌شناختی مرگ در بازداشتگاه و زندان*. (استادان راهنما: محمد فرجیها و محمود صابر). رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده حقوق. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی.
۱۲. فوکو، میشل. (۱۹۷۵م). *مراقبت و تنبیه: تولد زندان*، (ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاننیده، چاپ ۱۳۹۳ش). تهران: نشر نی.
۱۳. گرجی ازندریانی، علی‌اکبر، و مرتضوی، هدی. (۱۳۹۷ش). *مفهوم قدرت و نظم عمومی در اندیشه پسامدرن. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۲۰(۵۹)، ۹-۳۲.
<https://doi.org/10.22054/qjpl.2018.2717.1062>
۱۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۵ش). *جامعه‌شناسی کیفری (جامعه‌شناسی زندان)*، (تقریرات دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی). دسترس پذیرد:
<http://lawtest.ir>
۱۵. واعظی، اصغر، و صاحب‌قدم، عاطفه. (۱۳۹۳ش). *بررسی نقش کردارهای تقسیم‌گر در شکل‌گیری سوژه متفاد در عصر مدرن از نظر فوکو. دوفصلنامه فلسفی شناخت*، ۷(۲)، ۲۰-۲۶.

16. Bosworth, M., & Carrabine, E. (2001). Reassessing resistance: Race, gender and sexuality in prison. *Punishment & Society*, 3(4), 501-515.
<https://doi.org/10.1177/14624740122228393>
17. Buceri, S. M., & Haggerty, K. D. (2019). Fentanyl behind bars: The implications of synthetic opiates for prisoners and correctional officers. *International Journal of Drug Policy*, 71(54), 133-138.
<http://doi.org/10.1016/j.drugpo.2019.05.018>
18. Carlin, T. (2005). An exploration of prisoners' and prison staff's perceptions of the methadone maintenance programme in Mountjoy Male Prison, Dublin, Republic of Ireland. *Drugs: education, prevention and policy*, 12(5), 405-416.
<http://doi.org/10.1080/09687630500249599>
19. Cope, N. (2003). 'It's no time or high time': Young offenders' experiences of time and drug use in prison. *The Howard Journal of Criminal Justice*, 42(2), 158-175. <http://doi.org/10.1111/1468-2311.t01-1-00273>
20. Crewe, B. (2005). Prisoner society in the era of hard drugs. *Punishment & Society*, 7(4), 457-481. <http://doi.org/10.1177/1462474505057122>
21. Crewe, B. (2006). Prison drug dealing and the ethnographic lens. *The Howard Journal of Criminal Justice*, 45(4), 347-368.
22. Crewe, B. (2007). Power, adaptation and resistance in a late-modern men's prison. *British journal of criminology*, 47(2), 256-275.
<https://doi.org/10.1093/bjc/azl044>
23. Deuchar, R., & Densley, J. (2023). Exploring the Intersection of Drug Addiction and Mental Ill-Health in Scottish Prisons: A Qualitative Study of Incarcerated Men. *Journal of Drug Issues*, 54(3).
<https://doi.org/10.1177/00220426231161282>
24. Duke, K. (2020). Producing the 'problem' of new psychoactive substances (NPS) in English prisons. *International Journal of Drug Policy*, 80, 102479.
<https://doi.org/10.1016/j.drugpo.2019.05.022>
25. Duke, K., (2003). Analysing Prison Drugs Policy: Problems, Networks and Contexts. In: *Drugs, Prisons and Policy-Making*, 1-30.
https://doi.org/10.1057/9780230006133_1
26. Haslam, S. A., & Reicher, S. D. (2012). When prisoners take over the prison: A social psychology of resistance. *Personality and Social Psychology Review*, 16(2), 154-179. <https://doi.org/10.1177/1088868311419864>
27. Kolind, T. (2015). Drugs and discretionary power in prisons: The officer's perspective. *International Journal of Drug Policy*, 26(9), 799-807.
<https://doi.org/10.1016/j.drugpo.2015.04.014>
28. Kolind, T., & Duke, K. (2016). Drugs in prisons: Exploring use, control, treatment and policy. *Drugs: Education, Prevention and Policy*, 23(2), 89-92.
<http://doi.org/10.3109/09687637.2016.1153604>
29. Kolind, T., Frank, V. A., & Dahl, H. (2010). Drug treatment or alleviating the negative consequences of imprisonment? A critical view of prison-based drug treatment in Denmark. *International Journal of Drug Policy*, 21(1), 43-48.
<https://doi.org/10.1016/j.drugpo.2009.03.002>
30. Kolind, Torsten, Vibeke Asmussen Frank, Odd Lindberg, and Jouni Tourunen. (2013): Prison-based drug treatment in Nordic political discourse: An elastic discursive construct. *European Journal of Criminology*, 10(6), 659-674.
<https://doi.org/10.1177/1477370812471247>

31. Liebling, A. (2000). Prison officers, policing and the use of discretion. *Theoretical criminology*, 4(3), 333-357.
<https://doi.org/10.1177/136248060004003005>
32. Liebling, A. (2004). The late modern prison and the question of values. *Current issues in criminal justice*, 16(2), 202-219.
<https://doi.org/10.1080/10345329.2004.12036316>
33. Mjåland, K. (2014). 'A culture of sharing': Drug exchange in a Norwegian prison. *Punishment & Society*, 16(3), 336-352.
34. Mjåland, K. (2015). The paradox of control: An ethnographic analysis of opiate maintenance treatment in a Norwegian prison. *International journal of drug policy*, 26(8), 781-789. <https://doi.org/10.1016/j.drugpo.2015.04.020>
35. Norman, C. (2023). A global review of prison drug smuggling routes and trends in the usage of drugs in prisons. *Wiley Interdisciplinary Reviews: Forensic Science*, 5(2), e1473. <https://doi.org/10.1002/wfs2.1473>
36. Rubin, A. T. (2015). Resistance or friction: Understanding the significance of prisoners' secondary adjustments. *Theoretical Criminology*, 19(1), 23-42.
<https://doi.org/10.1177/1362480614543320>
37. Sandberg, S. (2012). The importance of culture for cannabis markets: Towards an economic sociology of illegal drug markets. *British journal of criminology*, 52(6), 1133-1151. <https://doi.org/10.1093/bjc/azs031>
38. Slade, G., & Azbel, L. (2022). Managing drugs in the prisoner society: heroin and social order in Kyrgyzstan's prisons. *Punishment & society*, 24(1), 26-45.
<https://doi.org/10.1177/1462474520956280>
39. Snacken, S. (2017). *Thomas Ugelvik, Power and Resistance in Prison: Doing Time, Doing Freedom*. London: Palgrave Macmillan.
40. Symkovych, A. (2020). Negative visibility and 'the defences of the weak': The interplay of a managerial culture and prisoner resistance. *Theoretical criminology*, 24(2), 202-221.
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1177/1362480618779404>
42. Tompkins, C. N. (2016). "There's that many people selling it": Exploring the nature, organisation and maintenance of prison drug markets in England. *Drugs: Education, Prevention and Policy*, 23(2), 144-153.
<http://doi.org/10.3109/09687637.2015.1085490>
43. Ugelvik, T. (2011). The hidden food: Mealtime resistance and identity work in a Norwegian prison. *Punishment & Society*, 13(1), 47-63.
<https://doi.org/10.1177/1462474510385630>
44. Walker, S., Seear, K., Higgs, P., Stoové, M., & Wilson, M. (2020). "A spray bottle and a lollipop stick": an examination of policy prohibiting sterile injecting equipment in prison and effects on young men with injecting drug use histories. *International Journal of Drug Policy*, 80, 102532.
<https://doi.org/10.1016/j.drugpo.2019.07.027>